



A Typology of the Exegetical Narrations Related to the Verses of Sūrat al-Tour and an Analysis of the Guiding Teachings Derived from Them

Tahereh Rahimipour¹
Mohammad Ali Tajari²

Abstract

Exegetical narrations constitute invaluable resources for understanding the Holy Qur'an and can assist in interpreting its verses from various perspectives. This study aims to classify these exegetical narrations and demonstrate their diverse functions. The main research question addresses the nature of the relationship between the exegetical narrations of Sūrat al-Ṭūr and its verses, as well as the guiding teachings that can be derived from them. To this end, the exegetical narrations pertaining to Sūrat al-Ṭūr were sourced and collected from various traditional exegetical references. Through a typological analysis, the kinds of relationships between these narrations and the verses of this sūrah were identified, followed by an exposition of their guiding teachings. The typological examination of the exegetical narrations concerning Sūrat al-Tour revealed that the most prevalent types include: esoteric (*bāṭinī*) interpretation, conceptual interpretation, Qur'an-based reasoning (*istinbāṭ*), applicative (*maṣḍāqī*) interpretation, verbal (*lafẓī*) interpretation, explanation of allusions (*ishārāt*), and general Qur'anic exegesis without reference to a specific verse. Furthermore, the analysis of the guiding teachings derived from these narrations indicates that the predominant themes are: encouragement to reflect upon the Qur'an and the created world; clarification of the status of al-Bayt al-Ma'mūr; encouragement to benefit from the pre-dawn hours; exposition of the status of Imamate and Wilāyah of the Ahl al-Bayt (peace be upon them); the obligation to obey them; and the affirmation of the corporeal nature of resurrection (*ma'ād*).

Keywords: Typology of Narrations, Guiding Teachings, Exegetical Narrations, Functions of Narrations, Sūrat al-Tour.

Citation: Rahimipour, T., Tajari, M. A. (2026). "A Typology of the Exegetical Narrations Related to the Verses of Sūrat al-Tour and an Analysis of the Guiding Teachings Derived from Them". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (2), 52-74. (In Persian)

* Received: 2025/10/11, Revised: 2026/05/30, Accepted: 2026/06/28.

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran. Corresponding Author Email: T.rahimipour@stu.qom.ac.ir.

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran. Email: Ma.tajari@yahoo.com.





گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره طور و تحلیل آموزه‌های هدایتی آن‌ها

طاهره رحیمی پور^۱

محمدعلی تجری^۲

چکیده

روایات، گنجینه‌های ارزشمندی برای فهم قرآن کریم بوده و می‌توانند از زاویه‌های گوناگون در تفسیر آیات، بشر را یاری کنند. این پژوهش، بر آن است که با گونه‌شناسی روایات تفسیری، کارکردهای مختلف آن‌ها را نشان دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که روایات تفسیری سوره طور، چه نوع ارتباطی با آیات این سوره دارند و چه آموزه‌های هدایتی از آن‌ها قابل استخراج است؟ از این رو، روایات تفسیری سوره طور با استفاده از منابع مختلف تفاسیر روایی، منبع‌یابی و گردآوری شده و با گونه‌شناسی آن‌ها، نوع ارتباط روایات با آیات این سوره بیان و پس از آن، آموزه‌های هدایتی این روایات تبیین گردید. از گونه‌شناسی روایات تفسیری ناظر بر آیات سوره طور، این نتیجه حاصل شد که بیشترین گونه‌های این روایات، تفسیر باطنی، تفسیر مفهومی، استناد به قرآن، تفسیر مصداقی، تفسیر لفظی و تبیین اشارات و تفسیر قرآن بدون اشاره به آیه‌ای خاص بوده است و با بررسی آموزه‌های روایات این سوره، به دست آمد که بیشترین آموزه‌ها مربوط به تشویق به تدبیر در قرآن و عالم خلقت، تبیین جایگاه بیت المعمور، تشویق به بهره‌وری از سحرگاهان، تبیین جایگاه ولایت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام، لزوم اطاعت از ایشان و جسمانی بودن معاد است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی روایات؛ آموزه‌های هدایتی؛ روایات تفسیری؛ کارکردهای روایات؛ سوره طور.

استناد: رحیمی پور، طاهره؛ تجری، محمدعلی (۱۴۰۵). «گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره طور و تحلیل آموزه‌های هدایتی آن‌ها». قرآن پژوهی روایی، ۲ (۲)، ۷۴-۵۲.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۷.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: T.rahimipour@stu.qom.ac.ir.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: Ma.tajari@yahoo.com.



در این پژوهش، مقصود از روایات تفسیری، روایاتی است که به نوعی اطلاعاتی را به نقل از معصوم علیه السلام در رابطه با آیات سوره در اختیار قرار می‌دهد. این روایات، در رابطه با آیات، نقش‌ها و کارکردهای متنوعی دارند که بازشناخت آن‌ها، کمک شایانی به فهم صحیح آیات و جلوگیری از برداشت‌های غلط از آن دارد. پژوهش حاضر با محوریت سوره طور، ۱۲۴ روایت تفسیری موجود در منابع مختلف تفسیری و روایی این سوره را، در دو محور گونه‌شناسی و آموزه‌های هدایتی، مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که کارکردهای این روایات چیست و در چه گونه‌هایی سامان‌دهی می‌شود.

«روایات تفسیری» گاه ناظر به ظاهر آیه هستند و آن را به گونه‌ای صریح تفسیر می‌کنند و گاه ناظر به باطن و لایه درونی آیه هستند و آن را تأویل می‌نمایند و گاه با اشاره به مضمون آیه و به گونه‌ای غیر مستقیم و غیر صریح، به درک مقصود آیه یاری می‌رسانند (مسعودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵). کارکردهای روایات تفسیری ناظر به ظاهر قرآن در این سوره شامل این موارد است: تبیین واژگان، تفسیر مفهومی، بیان مصداق، توضیح اشارات، تفسیر تاریخی، تفسیر تمثیلی، استناد به قرآن و تفسیر قرآن بدون اشاره به آیه‌ای خاص و جری و تطبیق. البته برخی محققان، روایات ناظر به بطون آیات را نیز که به واسطه تحلیل بر مواردی انطباق یافته، از باب جری دانسته‌اند که در این صورت جری و تطبیق اختصاص به روایات ناظر به ظاهر آیات نداشته و در این دسته از روایات مربوط به بطون آیات نیز مصداق می‌یابد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۶۹).

سوره مبارکه طور با مضامین بنیادین خود، همچون تأکید بر حتمیت معاد، اثبات نبوت، تصویرپردازی صحنه‌های قیامت و خطاب مستقیم به پیامبر صلی الله علیه و آله، نمونه‌ای ایده‌آل برای مطالعه گونه‌شناختی و تحلیل انتقادی روایات تفسیری است. با این حال، مجموعه روایات منسوب به این سوره در منابع تفسیری، با چالش‌های روش‌شناختی مهمی از جمله: عدم تفکیک دقیق میان سخن مفسر و روایت معصوم علیه السلام و ابهام در نقش و کارکرد دقیق هر روایت، روبروست. این امر، ضرورت طبقه‌بندی روشمند روایات را برای دستیابی به فهمی اصیل و جلوگیری از برداشت‌های نادرست، دوچندان می‌سازد. پژوهش حاضر با انتخاب این سوره به‌عنوان مطالعه موردی، در پی پر کردن این خلأ روش‌شناختی است.

پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. روایات تفسیری ناظر به سوره طور بر اساس چه کارکردهایی قابل گونه‌بندی هستند؟
۲. هر یک از این گونه‌ها، چه آموزه‌های هدایتی خاصی را (فراتر از مفاد صریح آیات) به مخاطب ارائه می‌دهند؟

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی مشابه به این شیوه در سایر سور قرآنی انجام شده است، از قبیل: «گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در سوره لقمان» نوشته علی احمد ناصح و فریده بهرامی (۱۳۹۵)؛ «بررسی سندی و گونه‌شناسی روایات تفسیری سوره فاطر (آیات ۱-۱۰)» به قلم کوثر سالمی (۱۳۹۹) و «گونه‌شناسی، بررسی سندی و آموزه‌های هدایتی روایات تفسیری سوره جمعه» از سیدایمان موسوی (۱۴۰۳). نوآوری پژوهش حاضر در تلفیق سه گام

است: ۱. غربال‌گری داده‌ها با معیار ناظر بودن روایت و تفکیک آن از کلام مفسر، ۲. گونه‌شناسی بر مبنای کارکرد تفسیری و ۳. استخراج آموزه‌های هدایتی از روایات طبقه‌بندی‌شده. بدین ترتیب، این مقاله علاوه بر ارائه تصویری منسجم از روایات تفسیری سوره طور، الگویی برای بررسی تفاسیر روایی سایر سوره‌ها و افق‌های جدیدی برای تفسیر تربیتی- هدایتی قرآن بر پایه سنت معصومان علیهم‌السلام ارائه می‌دهد.

۳- مفاد کلی سوره مبارکه طور

سوره طور، از سور مکی است و در ترتیب نزول، هفتاد و ششمین و در ترتیب مصحف کنونی، پنجاه و دومین سوره قرآن کریم است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۴) و چهل و نه آیه دارد. در یک نگاه کلی، می‌توان آیات این سوره را به چهار بخش تقسیم نمود: آیات ۱ تا ۱۰، بیانگر غرض این سوره‌اند که تهدید و انذار افراد عنادورزی است که حق را تکذیب می‌کنند. لذا با سوگندهایی غلیظ از وقوع عذاب قیامت و تحقق حتمی آن به کفار خبر می‌دهد تا بدانند هیچ گریزی از آن ندارند. سپس در آیات ۱۱ تا ۲۸، پاره‌ای از صفات و ویژگی‌های آن عذاب را بیان می‌کند و در مقابل، قسمتی از نعمت‌های اهل نعیم و متقین را شرح می‌دهد؛ همان‌هایی که در دنیا در میان اهل خود به شفقت رفتار می‌کردند و به خدا ایمان داشته و او را به یکتایی می‌ستودند. آن‌گاه در آیات ۲۹ تا ۴۴، به توبیخ مکذبین می‌پردازد که نسبت‌هایی ناروا به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قرآن و دینی که بر آن جناب نازل شده می‌دادند و در پایان در آیات ۴۵ تا ۴۹، سوره را با تکرار همان تهدیدها ختم نموده، رسول گرامی خود را به تسبیح الهی امر می‌کند. این سوره به شهادت سیاق آیاتش، در مکه نازل شده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴).

از نظر برخی، یکی از لطافت‌ها و ظرافت‌هایی که در آیات آغازین و پایانی سوره‌ها رعایت شده است، ارتباط معنادار و عمیق این آیات با غرض اصلی سوره است. به گونه‌ای که در بسیاری از سوره‌های قرآن، تنها با توجه به آیات ابتدایی و انتهایی سوره می‌توان به موضوع اصلی آن پی برد. معمولاً آیات نخستین سوره، بیانگر مهم‌ترین مطالب آن بوده و آیات پایانی به عنوان نتیجه‌گیری نهایی، غرض اصلی سوره را مجدداً گوشزد می‌کند (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷).

۴- گونه‌شناسی و آموزه‌های هدایتی روایات تفسیری سوره طور

منظور از گونه‌شناسی روایات تفسیری، شناخت و تعیین کارکردهای مختلف آن‌هاست که با بررسی محتوایی روایات وارد شده ذیل آیات، به دست می‌آید. پیشینیان با اینکه خود در جمع‌آوری روایات تفسیری، تلاش وافری داشته‌اند، اما چندان به تنوع و گوناگونی این روایات پرداخته‌اند ولی در دهه‌های اخیر، شماری از پژوهشگران قرآنی به نام‌گذاری این گونه‌ها اقدام نموده‌اند.^۱ می‌توان گونه‌شناسی را به طبقه‌بندی روشمند روایات، بر اساس معیاری

۱. گونه‌های مختلف روایات تفسیری در کتاب‌هایی همچون «درآمدی بر تفسیر جامع روایی» از محمدی ری‌شهری، «تفسیر روایی جامع» از عبدالهادی مسعودی، «پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین» از مهدی رستم‌نژاد و مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت» از مهدی مهریزی، معرفی شده‌اند که این مقاله از آن‌ها بهره برده است.

منطقی که از جامعیت و مانعیت نسبی برخوردار بوده و قابل توجیه و دفاع علمی باشد، تعریف کرد (راد، ۱۳۹۷، ص ۱۷). آموزه‌های هدایتی روایات تفسیری نیز، پیام‌ها و نکاتی است که از روایات ذیل آیات سوره استنباط می‌شود. این آموزه‌ها اغلب لوازم آشکار و غیر آشکار مفاد روایات هستند. بر این اساس، مهم‌ترین گونه‌های شناسایی شده در روایات تفسیری ناظر به سوره طه بدین شرح مورد بررسی قرار می‌گیرد: برای هر گونه، ابتدا تعریف و معیار تشخیص ارائه شده، سپس چرایی انطباق روایت با آن گونه خاص تبیین می‌گردد و در نهایت، آموزه‌های هدایتی آن روایت استخراج خواهد شد.

۴-۱- خواص قرائت سوره طه

برای قرائت این سوره، خواص و آثار دنیوی و اخروی در روایات ذکر شده است از جمله سه روایت در تفسیر البرهان، از پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام نقل شده است که مضمون واحدی دال بر مطلب ذیل دارند: «هرکس این سوره (طه) را قرائت کند، بر خداوند متعال است که او را از عذاب در امان داشته و در بهشت خود به او نعمت ارزانی دارد و هرکس این سوره را بخواند و بر خواندن آن مداومت کند، اگر در زندان (زنجیر) باشد، خداوند این امکان را برای او فراهم می‌آورد که رهایی یابد؛ هرچند جرم‌های زیادی مرتکب شده باشد و مجازات شرعی بر او جاری گردد و اگر در حال سفر، بر خواندن آن مداومت کند، در سفر خود از دچار شدن به چیزهایی که نمی‌پسندد، آسوده‌خاطر خواهد بود. و اگر آبی که این سوره بر آن خوانده شده را بر محلّ گزیدگی عقرب بپاشد، به اذن و اجازه خداوند متعال بهبودی خواهد یافت (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷۵؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۶۶). این سه روایت به صورت مرسل و در منابع تفسیری متأخر، مانند البرهان، نقل شده‌اند و در منابع اولیه معتبر حدیثی شیعه گزارش نشده‌اند. از این رو، از نظر سندی در شمار روایات ضعیف قرار می‌گیرند. با این حال، به لحاظ محتوایی در زمره روایاتی قرار می‌گیرند که به بیان آثار و کارکردهای تلاوت قرآن در زندگی فردی می‌پردازند و بیشتر ناظر به جنبه‌های ارشادی و انگیزشی‌اند.

۴-۱-۱- تحلیل کلی در باب روایات فضایل و خواص سوره و آیات

پیش از آنکه به تحلیلی کوتاه در باب روایات فضایل و خواص سوره و آیات پرداخته شود، لازم است توضیحی در خصوص مراد از روایات فضایل و خواص سوره و آیات داده شود. برخی مراد از خواص قرآن را، ویژگی‌ها و آثار مادی و دنیوی قرآن و مقصود از فضایل قرآن را، ثواب و آثار و برکات معنوی آن دانسته‌اند (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۹۳)، لکن به نظر می‌رسد این تعریف ناتمام است. مراد از فضایل سوره و آیات، چنان‌که برخی به آن تصریح کرده‌اند، ارزش و جایگاه هریک از سوره‌ها یا آیات قرآن در مقایسه با سایر سوره و آیات در تبیین معارف قرآن است، بی آنکه ضرورتاً از دستاورد و پیامدی در اثر تلاوت آن‌ها سخن به میان آمده باشد. برای نمونه در برخی روایات آمده است سوره فاتحه برابر با همه قرآن است (طبرسی، ۱۳۶۳، ص ۳۴)، سوره توحید برابر با ثلث قرآن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۱) و سوره یس قلب قرآن (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۱). در مقابل، مقصود از خواص سوره و آیات، آثار مادی و معنوی یا دنیوی و



اخروی است که با تلاوت برخی از آیات و سور مرتب می‌گردد، برای مثال در برخی روایات آمده است که سوره فاتحه، شفای هر دردی است (طبرسی، ۱۳۶۳، ص ۳۴)، یا برای آیه‌الکرسی، خواص و ویژگی‌هایی برشمرده شده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۶۸). در ادامه، با این توضیح، به تحلیل کلی این روایات پرداخته شده است.

بی‌گمان، قرائت قرآن دارای خواص و آثار مادی و معنوی فراوانی است که برخی از این آثار به صراحت و بعضی با اشاره در خود قرآن مجید بیان شده‌اند (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۹۴). لکن چنان‌که برخی به درستی گفته‌اند، عرصه فضیلت‌سازی برای قرائت قرآن و ثواب آن، مبدائی برای راه یافتن جعل به روایات قرآنی شد، اما این، بدان معنا نیست که هرچه روایات در باب ثواب قرائت قرآن به ما رسیده، مجعول‌اند، تحقیقاً شماری از این دست روایات، صحیح و قابل قبول‌اند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). سیوطی، نوع هفتاد و پنج از علوم قرآن را «خواص القرآن» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۰) و نوع هفتاد و دوم را «فضائل قرآن و سور» قرار داده است (همان، ص ۳۳۸). وی در باب فضائل قرآن و سور اذعان دارد: در این موضوع احادیث صحیحی در مورد تمام قرآن، و در مورد سوره‌های خاصی به طور معین رسیده و احادیث بسیاری هم، جعل شده است (همان). لذا در برخورد با این روایات، باید احتیاط کرد؛ نه آن‌ها را به وضع و جعل متهم کرد و کنار گذاشت و نه بدون قید و شرط پذیرفت. بعضی از این روایات، مصداق کذب بر پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و تعدادی، مصداق توقف و ارجاع علم آن‌ها به ائمه علیهم‌السلام است. در برابر برخی دیگر نیز باید تسلیم بود (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۳). بنابراین، شایسته است این روایات اعتبارسنجی شود. البته بر اساس مفاد احادیث «من بلغ»، چنان‌چه به کسی ثواب و پاداش عمل خیری برسد و او آن عمل را به قصد رسیدن به آن ثواب و پاداش انجام دهد، اجر آن عمل به وی داده می‌شود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۰). از سوی دیگر، به نظر می‌رسد خواص و آثاری که در روایات برای تلاوت آیات و سور بیان شده از باب اقتضاء و علیت ناقصه است نه علیت تامه. یعنی قرائت آن آیات یا سوره در صورتی که سایر شرایط موجود و موانع مفقود باشد، می‌تواند باعث آن خواص شود و چه‌بسا انجام بسیاری از اعمال نیک از شرایط آن و ترک گناهان از باب عدم‌المانع آن باشند. در تفسیر نمونه آمده است: «...ثواب‌ها و فضیلت‌ها و پاداش‌های مهمی که برای تلاوت قرآن یا سوره‌ها و آیات خاصی نقل شده، هرگز مفهومی این نیست که انسان آن‌ها را به صورت اوراد بخواند و تنها به گردش زبان قناعت کند. بلکه خواندن قرآن برای فهمیدن و فهمیدن برای اندیشیدن و اندیشیدن برای عمل است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۰).

۴-۱-۲- آموزه‌های هدایتی این روایات

روایات تفسیری مرتبط با هر سوره که روایات مرتبط با فضایل و خواص سوره نیز از آن‌ها به شمار می‌رود، آموزه‌هایی دارد و درس‌ها و نکاتی از آن‌ها قابل دریافت است که این دریافت و میزان و سطح آن بستگی به استعداد، ظرفیت و تأمل مخاطبان دارد. اکنون برای نمونه به برخی از آموزه‌های روایات مرتبط با خواص این سوره اشاره می‌شود:

۱. از شیوه‌های ائمه علیهم‌السلام، برای تشویق افراد به قرائت و انس با قرآن، توجه دادن به آثار و برکات گسترده و ترغیبی آن بوده است و پیروان آنان نیز برای تحقق این هدف و اساساً برای دعوت به کارهای نیک، باید از این شیوه به درستی بهره گیرند.

۲. در اثر انس با سوره مبارکه طه برای شخص تلاوت‌کننده، موجبات حفظ از عذاب جهنم و ارزانی داشتن نعمت‌های بهشت فراهم می‌گردد.

۳. می‌توان از روایات فوق، این‌گونه برداشت کرد که در صورتی شخص در اثر تلاوت سوره طه از زندان رهایی می‌یابد که در اثر انس با سوره و با تدبیر در احوال اهل جهنم، سعی در رهانیدن خود از زنجیرهای جهالت داشته و با توبه و پشیمانی و عدم بازگشت به گناهان، خود را از گناه و آلودگی پاک نماید.

۴. همان‌طور که خداوند، قرآن را موجب شفاء و رحمت برای مؤمنان معرفی کرده است (اسراء: ۸۲)، استفاده از قرآن در بُعد مادی و دنیوی نیز به اذن و اجازه الهی، می‌تواند حاوی شفاء و رحمت باشد.

۴-۲- کارکردهای روایات ناظر به ظاهر قرآن

روایات تفسیری ناظر به مفاهیم ظاهری آیات، با به دست دادن آگاهی‌های سودمند درباره واژگان، ترکیب‌ها و ساختار آیات و اسباب و فضای نزول، مفسر را در فهم لایه رویین قرآن کمک می‌کنند. این روایات همچنین با ارائه مصداق‌ها، افزون بر روشن کردن وظیفه عملی، فهم عمیق معنای آیه و درک بهتر مقصود خداوند را نیز میسر می‌نمایند (مسعودی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۶). اینک با ارائه چند روایت، کارکردهای این دسته روایات تفسیری در سوره طه معرفی و به برخی از آموزه‌های هدایتی آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۲-۱- تبیین واژگان

پاره‌ای از روایات تفسیری، واژه‌ای را با واژه‌ای دیگر تفسیر و تبیین کرده‌اند (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). این دست از روایات، به نوعی مرتبط و ناظر به مفردات و واژگان آیه است؛ حال یا معنای لغوی و عرفی واژه و یا مراد واقعی از آن را تبیین می‌کنند، این‌گونه روایات تفسیری را می‌توان «تفسیر لفظی» نیز نامید. برای نمونه به ذکر روایتی ذیل آیات سوره مبارکه طه اشاره می‌شود. امام علی علیه‌السلام، ذیل آیه «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (طه: ۶) فرمودند: «الْمَسْجُورُ: الْمَوْقَدُ؛ مسجور یعنی افروخته شده» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷۷؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۷۸).

این روایت، به صراحت و بدون پرداختن به مفهوم کلی آیه، تنها به تبیین معنای واژه «مسجور» که از مفردات دشوار در سوگندهای آغازین سوره است، اکتفا کرده و آن را با واژه واضح‌تر «مَوْقَد» معنا می‌نماید. از این رو، نمونه‌ای روشن از «تفسیر لفظی» در روایات تفسیری ناظر به ظاهر قرآن به شمار می‌آید.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. روایت نشان می‌دهد که فهم دقیق مفردات، گام نخست در دستیابی به هدایت قرآنی است و تفسیر صحیح، بدون روشن شدن معنای الفاظ بنیادین، امکان‌پذیر نیست.



۲. این روایت الگویی روش شناختی ارائه می دهد که بر اساس آن، در مواجهه با واژگان دشوار قرآن، مراجعه به تبیین های روایی معصومان علیهم السلام راه گشاست.

۳. تبیین دقیق واژه «مسجور»، فهم تصویرپردازی آیه را تقویت می کند و نشان می دهد که دقت در سطح لفظ، می تواند زمینه ساز درک مؤثرتر پیام های هدایتی قرآن باشد.

۴-۲-۲- تفسیر مفهومی

مقصود از تفسیر مفهومی، ابهام زدایی از مفهوم آیه است (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷). به مواردی از این دست روایات ذیل آیات سوره طور اشاره می گردد:

یک. در روایتی معتبر (صحیح) از امام صادق علیه السلام ذیل آیه ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ (طور: ۴۸) نقل شده است: هنگامی که عبدالله بن حسن را به همراه خانواده اش [در زمان منصور دوانیقی] به زندان کوفه بردند، امام صادق علیه السلام نامه ای به او نوشته و به خاطر این پیشامد، با وی چنین اظهار همدردی فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ [این نامه ای است] خطاب به بازمانده صالح و فرزند پاک [از نسل امام حسن علیه السلام] از طرف برادرزاده و پسر عمویش. اما بعد، اگر تنها تو و خانواده ات مبتلا به این گرفتاری شده اید، بدان که حزن و ناراحتی و اندوه خاطر و درد جانکاه آن، تنها برای تو نبوده و به همان مقدار که تو ناراحت و اندوهگین شده ای، من نیز در ناراحتی و بی تابی و اندوه هستم؛ جز اینکه من به دستوری که خداوند به پرهیزکاران درباره صبرکردن و شکیبایی نیکو داده توجه می نمایم، آنجا که خطاب به پیامبرش صلی الله علیه و آله می فرماید: ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۵؛ مجلسی، بی تا، ج ۴۷، ص ۲۹۸؛ ج ۷۹، ص ۱۴۵).

آموزه های هدایتی روایت

۱. از روایت به دست می آید در صورتی که انسان خود را تحت نظر خداوند ببیند، صبر و تحمل بر بلا و مصیبت بر او آسان و درجه اندوهش کاسته می شود و این صبر، نشانه بندگی و تسلیم در برابر مشیت خداوند است.

۲. امام، قلب تپنده عالم هستی و مهربان تر از انسان ها به خودشان است و هیچ بلا و مصیبتی بر انسان نمی رسد، مگر اینکه امام نیز از این مصیبت متأثر می شود.

۳. عبارت «فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا» حاوی پیام آرام بخش حضور، مراقبت و حمایت الهی است که امام صادق علیه السلام آن را برای تقویت روحیه مخاطب استفاده می کند. این تعبیر، آموزه ای توحیدی درباره حمایت خداوند از بندگان خاص خود است.

دو. در روایتی معتبر (موثق)، اسحاق مدنی گوید امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه ﴿مُتَكَبِّرِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ (طور: ۲۰) فرمودند: از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره این قول خداوند عزوجل ﴿مُتَكَبِّرِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ سؤال شد: مؤمن [در بهشت] ساعتی با همسران حوریه [خوش] است و ساعتی با همسرانی از جنس آدمیان و ساعتی هم تنها به سر برده و بر تختش تکیه زند و [در آن حال] مؤمنان به یکدیگر نگاه می کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۹؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۹۰).

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. همنشینی با حوریان بهشتی، نشان‌دهنده نعمت‌های ویژه بهشتی است که خداوند برای اهل ایمان فراهم کرده است.

۲. علاوه بر حوریه‌ها که همسران بهشتی انسان‌ها هستند، همسران دنیوی نیز در صورتی که با اهل بهشت سنخیت داشته باشند، می‌توانند همسران بهشتی یکدیگر باشند. این امر به استمرار پیوندها و روابط مقدس دنیوی در بهشت، اشاره دارد.

۳. تکیه کردن مؤمنین بر تخت‌های صف کشیده در کنار هم و بهره‌وری از لذت انس با دوستان و سایر مؤمنان، لذتی معنوی است و اشاره به نهایت آرامش آن‌ها دارد، زیرا انسان‌ها معمولاً در حال آرامش تکیه می‌کنند و افرادی که نگران و ناآرام‌اند چنین نیستند. این نشان می‌دهد که آرامش و سکون، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که انسان در دنیا و آخرت به آن نیاز دارد.

۴. روایت فوق نشان‌دهنده نگاه عمیق اسلام به نیازهای انسانی و پاسخ جامع به این نیازها در بهشت است. خداوند علاوه بر نعمت‌های مادی، آرامش روحی، ارتباطات محبت‌آمیز و تنوع در بهره‌مندی‌ها را برای مؤمنان در نظر گرفته است. این تصویر، انسان را به سوی ایمان و اعمال نیک سوق می‌دهد و او را به اولویت قرار دادن اخلاق و معنویت در زندگی تشویق می‌کند.

۴-۲-۳- بیان مصداق

بخشی از روایات تفسیری، به بیان مصادیق آیات اختصاص دارند (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷). در این‌گونه روایات، به جای تبیین مفهومی آیه یا کشف مراد استعمالی آن، تنها نمونه‌هایی از شمول مفهومی آیه گزارش می‌شود. بر پایه قواعد زبانی و تفسیری، این مصادیق را نمی‌توان مصداق انحصاری آیه دانست و غالب این روایات نیز دلالتی بر حصر ندارند (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

چنین روایاتی، با احراز صدق عنوان روایت تفسیری و ناظر بودن آن‌ها به آیه، ذیل برخی آیات سوره طور گزارش شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها بررسی می‌شود:

یک. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ (طور: ۲۱) فرمودند: منظور از آن‌هایی که ایمان آورده‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است و منظور از نسل او، امامان و جانشینان او که سلام و درود خدا بر آنان باد، هستند. نسل آن‌ها را به ایشان ملحق ساختیم و نسل آن‌ها از حجت و برهانی که محمد صلی الله علیه و آله، درباره علی علیه السلام آورده بود، محروم نشد؛ دلیل و برهان آن‌ها یکی و طاعت آن‌ها هم یکی است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۳۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷۸).

این روایت بدون ورود به تبیین مفهومی آیه، با تطبیق آن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان پس از ایشان، نمونه‌ای روشن از «بیان مصداق اتم» است و در عین حال، آموزه‌هایی ناظر به وحدت حجت، استمرار امامت و پیوستگی طاعت در سلسله هدایت الهی ارائه می‌دهد.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. در منطق امامت، ایمان، حجت و اطاعت در طول تاریخ امامت یک حقیقت واحد و پیوسته است، نه مجموعه‌ای گسسته از باورها.
 ۲. مشروعیت و تداوم هدایت در نسل پیامبر ﷺ و حضرت علی (ع)، مبتنی بر استمرار حجت الهی است، نه صرف وراثت.
 ۳. حجت نبوی درباره امامت، در امامان بعدی استمرار دارد و اختصاص به یک مقطع تاریخی ندارد.
 ۴. مرجعیت دینی امامان، مرجعیتی تبعی یا ثانوی نیست، بلکه در امتداد رسالت تعریف می‌شود.
- دو. امام علی (ع) در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (طور: ۲۱) فرمودند: آگاه باشید که نسل پیامبر ﷺ شاخسارانی هستند که من درختش هستم و درخت تناوری هستند که من تنه آن هستم؛ من نسبت به احمد (ع) مانند نور نسبت به نور هستم؛ ما پیش از آفرینش بشر و [حتی] پیش از آفرینش گلی که بشر از آن است، در زیر سایه عرش، سایه‌هایی به صورت شب‌هایی ارجمند بودیم نه [به صورت] جسم‌هایی رشد یابنده. شناخت ما (اهل بیت (ع)) کاری سخت و تحملش دشوار است و جز سه دسته، به حقیقت آن دست نمی‌یابند: فرشته‌ای مقرب، پیامبری مرسل یا بنده‌ای که خداوند دلش را برای ایمان خالص نموده است. پس هرگاه رازی برایتان آشکار گردید یا کاری برایتان نمایان شد آن را بپذیرید، در غیر این صورت، سکوت اختیار کنید تا [از انحراف] در امان بمانید و [یا] علم ما را به خداوند واگذار کنید. چرا که شما در مقابل حقیقتی فراتر از فاصله میان آسمان و زمین قرار دارید (یعنی فهم آن، از سطح درک و فکر بشر فراتر است) (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۶؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۹۶).

این روایت، با حفظ دلالت عام آیه و بدون ادعای حصر، تنها یکی از مصادیق برجسته «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» در آیه ۲۱ سوره طور را تبیین می‌کند؛ در این روایت امام علی (ع) مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا» و نسل پیامبر ﷺ (فرزندان او و حضرت زهرا (ع)) مصداق «ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ» معرفی شده‌اند. از این رو، از حیث روش‌شناسی تفسیری، در گونه «بیان مصداق» جای می‌گیرد و ظرفیت استخراج آموزه‌های هدایتی فراتاریخی را داراست.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. روایت نشان می‌دهد که پیوند حقیقی نسل‌ها، پیوند زیستی یا تاریخی صرف نیست، بلکه اتصال به «اصل ایمانی» و «ریشه توحیدی» است. این آموزه، فهم آیه را از سطح رابطه خونی به سطح رابطه ایمانی ارتقا می‌دهد؛ ملاک الحاق و استمرار معنوی در منطق قرآن و روایت، ایمان و اتصال به حقیقت توحیدی است.
۲. معرفی اهل بیت (ع) به عنوان مصداق اعلائی ذریه مؤمن، به معنای انحصار مفهوم قرآنی در آنان نیست، بلکه نشان می‌دهد مفاهیم قرآنی دارای مراتبی از تحقق‌اند و برخی مصادیق، از حیث کمال و هدایتگری برجسته‌ترند؛ معرفی اهل بیت (ع) به عنوان مصداق ممتاز، ناظر به تبیین مرتبه اعلی است، نه انحصار مفهومی آیه.

۳. تأکید روایت بر دشواری معرفت اهل بیت علیهم‌السلام، آموزه‌ای عام درباره محدودیت ادراک بشری و لزوم تواضع معرفتی در مواجهه با حقایق متعالی ارائه می‌دهد؛ دشواری معرفت اهل بیت علیهم‌السلام بیانگر مراتب ادراک و لزوم آمادگی درونی برای فهم عمیق دین است.

۴. توصیه به پذیرش آنچه آشکار شده و سکوت در برابر آنچه فراتر از ظرفیت فهم است، آموزه‌ای هدایتی در باب اخلاق فهم دین و پرهیز از تفسیرهای شتاب‌زده و انحرافی به شمار می‌رود؛ پرهیز از داوری و تفسیر شتاب‌زده در برابر امور فراتر از فهم، رویکردی هدایتی و مصون‌ساز تلقی می‌شود.

۴-۲-۴- استناد به قرآن

گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ائمه علیهم‌السلام حکمی را بیان و مستند آن را از قرآن ذکر کرده‌اند. به سخنی دیگر، مطلبی یا حکمی بیان شده و برای قانع ساختن مخاطب یا سؤال‌کننده و یا برای تعلیم چگونگی استفاده از قرآن، مستند قرآنی آن مطلب یا حکم بازگو گردیده است (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۷). این نوع از روایات تفسیری ذیل آیات سوره طه، در منابع حدیثی دیده می‌شود. برای مثال:

یک. محمدبن مسلم گوید: امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام ذیل آیه **﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾** (طور: ۲۱) فرمودند: «خداوند متعال در عوض شهادت امام حسین علیه‌السلام مقام امامت را در نسل او، شفاء بیمار را در تربتش و مستجاب شدن دعا را نزد قبر او قرار داد و روزهایی که زائران آن حضرت به زیارتش می‌روند و باز می‌گردند جزء عمرشان حساب نمی‌گردد». محمدبن مسلم گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: این خصلت‌ها که برای زائران امام حسین علیه‌السلام است؛ پس خود آن بزرگوار چه مقامی خواهد داشت؟! امام علیه‌السلام فرمود: «خداوند متعال امام حسین علیه‌السلام را به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ملحق نموده و امام حسین علیه‌السلام در رتبه و منزلت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است»؛ سپس امام صادق علیه‌السلام این آیه را تلاوت فرمودند: **﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾** (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۷؛ ج ۹۸، ص ۶۹؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۲۲۰؛ طبری، ۱۳۸۳ق، ص ۲۱۱؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۹۸؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۴۴، ص ۲۲۱).

این روایت ذیل گونه «استناد به قرآن» قرار می‌گیرد؛ زیرا امام صادق علیه‌السلام برای اثبات الحاق امام حسین علیه‌السلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به صورت صریح آیه **﴿أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾** (طور: ۲۱) را تلاوت و به آن احتجاج می‌کند. آیه در این جا نقش دلیل و مستند کلام را دارد.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. عمل و فداکاری ویژه در راه خدا، پاداش ویژه دارد. امام حسین علیه‌السلام در بین اولیای الهی در راه خدای متعال کاری ویژه کرد که نمونه و نظیر برای آن یافت نمی‌شود. خداوند هم در برابر اقدام ویژه او پاداش‌هایی ویژه قرار داد که در روایت به آن‌ها اشاره شده است.

۲. روایت ناظر بر جایگاه رفیع امام حسین علیه السلام است و بر مقام والای او در نزد خداوند که هم‌تراز با پیامبر صلی الله علیه و آله است تأکید دارد و این اشاره به کلام پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۳).
۳. نکته حائز اهمیت دیگری که از روایت به دست می‌آید، اهمیت تربت کربلا و اثر آن در شفای بیماران و اجابت دعا در آن است.

۴-۲-۵- تفسیر تاریخی

شماری از روایات تفسیری، بخش‌هایی از تاریخ زندگی انبیای سلف و اقوام مرتبط با آن‌ها، همچنین تاریخ زندگی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را به صورت اجمالی و یا به تفصیل بیان کرده‌اند (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). این‌گونه اخبار ذیل برخی آیات شریفه سوره طور، در مصادر روایی موجود است که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد:

یک. ثمالی گوید امام باقر علیه السلام ذیل آیه «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (طور: ۶) فرمودند: هنگامی که قوم یونس علیه السلام او را اذیت و آزار نمودند آن‌ها را نفرین نمود... بنابراین عذاب بر سرشان فرود آمد... [آن‌ها پشیمان شدند] و به درگاه پروردگارشان فریاد برآوردند و گفتند: «ما به خدای یونس ایمان آوردیم». خداوند نیز عذاب را از آن‌ها برطرف کرده و بر کوه‌های آمد فرود آورد. [از طرف دیگر] یونس علیه السلام که گمان می‌کرد آن‌ها نابود شده‌اند، به سمت شهر حرکت کرد ولی [با تعجب] آن‌ها را در سلامتی کامل یافت؛ پس خشمگین از شهر خارج گشت، تا اینکه سوار بر کشتی شد، کشتی دچار تکان‌های شدیدی شد، یونس علیه السلام خود را به دریا انداخت و ماهی بزرگی او را بلعید و وی را همراه خود از هفت دریا عبور داد تا اینکه به «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» رسید که قارون در آنجا عذاب می‌شود (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۴۰۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۳۸؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۸۰).

این روایت از انواع گونه تفسیر تاریخی است، زیرا بخش‌هایی از وقایع زندگی انبیاء و اقوام مرتبط با آنان، از جمله ابتلائات حضرت یونس علیه السلام و سرنوشت قوم او را بیان می‌کند و نشان می‌دهد پیامبران و اقوامشان چگونه در مواجهه با فرمان و عذاب الهی عمل کرده‌اند. چنین روایتی، رویدادهای تاریخی مرتبط با آیات سوره طور را برای فهم بهتر مضمون آن ارائه می‌دهد.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. دعا و بازگشت به خدا آنقدر موثر است که می‌تواند موجب دفع عذاب از گنهکاران شود؛ چنان‌که در روایات آمده است: «إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِيمَانًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۹).
۲. از روایت چنین دریافت می‌شود که ممکن است پیامبران علیهم السلام نیز در اثر برخی اعمال، به نوعی مجازات شوند.
۳. توبه صادقانه حتی در لحظات حساس می‌تواند سرنوشت انسان را تغییر دهد.
۴. دور شدن عذاب از قوم حضرت یونس علیه السلام به‌خاطر توبه و بازگشت به سوی پروردگار، بر صفت غفاریت و گستردگی رحمت بی‌پایان خداوند بر توبه‌کنندگان تأکید داشته و قابل تعمیم بر تمامی اقوام است.
۵. از مضمون روایت، رعایت صبر و بردباری در تقابل با حوادث مختلف را می‌توان دریافت.

۶. همچنین ابتلائات حضرت یونس علیه السلام در مسیر هدایت قومش نشان می‌دهد که انسان حتی در مسیر حق ممکن است دچار چالش‌هایی شود که برای تکامل و تربیت او ضروری است.
۷. عذاب قارون در «البحر المسجور» یادآوری می‌کند که کیفرهای الهی برای ستمگران و سرکشان، حقیقتی انکارناپذیر است و باید از سرنوشت گذشتگان عبرت گرفت.

۴-۲-۶- تفسیر تمثیلی

شماری از روایات تفسیری، با بهره‌گیری از مثل‌های حسی، مفاهیم عقلی قرآن را تفسیر کرده‌اند (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳). برخی این نوع تفسیر را بهره‌گیری از تمثیل (تصویرپردازی) نامیده و می‌نویسند: «در میان روایات تفسیری، سخنانی دیده می‌شود که در آن معصومان علیهم السلام برای انتقال سریع مفاهیم به مخاطب، از «تمثیل» و همانندسازی استفاده می‌کردند» (رستم‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵). این گونه روایات را، ذیل برخی آیات سوره طه می‌توان مشاهده نمود. از جمله:

یک. در رابطه با بیت‌العمور که ذیل آیه ﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾ (طور: ۴) از آن سخن به میان آمده است، روایتی طولانی راجع به علت طواف دور خانه خدا و آغاز آن از امام چهارم علیه السلام نقل شده که در بخشی از آن آمده است: «...خداوند در زیر عرش، خانه‌ای بر چهار ستون از زبرجد قرار داد و با یاقوتی سرخ، آن ستون‌ها را پوشاند و آن خانه را «ضراح» نامید و آن‌گاه به فرشته‌ها فرمود: «گرداگرد این خانه طواف کنید و عرش را وانهید». فرشته‌ها گرداگرد آن طواف کردند و عرش را وانهادند و این کار بر آن‌ها آسان‌تر بود و آن خانه همان بیت‌المعمور است که خدا در قرآن بیان فرموده است و هر روز و شب هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌گردند و هیچ‌گاه به آن باز نمی‌گردند» (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۵، ص ۵۹؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۷۶).

روایت بیت‌المعمور با توصیف خانه‌ای زیر عرش، ستون‌های زبرجد و طواف هفتاد هزار فرشته، از تصویرسازی و تمثیل برای انتقال مفاهیم فرامادی و عبادی بهره می‌برد. این استفاده از نشانه‌ها و همانندسازی حسی، نشان‌دهنده مطابقت روایت با گونه تفسیر تمثیلی است، زیرا مفاهیم معنوی و اخلاقی قرآن را به صورت قابل تدبر برای مخاطب منتقل می‌کند.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. در روی زمین، حاجیان با طواف بر دور کعبه که حقیقت آن در آسمان و در بیت‌المعمور است، سنت طواف را احیاء می‌کنند.
۲. پیوستگی رفت و آمد و عبادت فرشتگان به درگاه الهی، اهمیت عبادت مستمر و استمرار در ارتباط با خداوند را یادآوری می‌کند. این امر می‌توان مؤمنان را ترغیب کند تا در عبادت و اعمال نیکو استمرار داشته باشند.
- دو. در روایتی معتبر (موثق) ذیل آیه ﴿مُتَكَبِّرِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَ زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ (طور: ۲۰) محمد بن اسحاق گوید امام باقر علیه السلام فرمودند: چون مؤمن بر تخت خود بنشینند، تخش از شادی به جنبش درآید و چون جایگاه ولی خدا در بهشت مستقر گردد، فرشته‌ای که بر بهشت‌های او گماشته شده از او اجازه خواهد تا با

کرامتی که خداوند در حق او نموده به وی تبریک و شادباش گوید. غلامان و کنیزان خدمتکارِ آن مؤمن به آن فرشته گویند: «همین جا بمان که اینک ولی خدا بر تخت خویش تکیه زده و همسر حوریه اش، خود را برای او مهیا ساخته است و تو باید برای [دیدن] ولی خدا درنگ کنی». در آن هنگام همسر حوریه اش از خیمه مخصوص خود، بیرون آمده و به سوی آن بهشتی حرکت نماید، درحالی که گرداگردش کنیزکان باشند و بر تش هفتاد جامه بافته شده با یاقوت و مروارید و زبرجد است که از مشک و عنبر است و تاج کرامت بر سر دارد و دو کفش از طلا به پا دارد که با یاقوت و مروارید آراسته گردیده و بند آن دو کفش، یاقوت سرخ است؛ و چون به نزدیک ولی خدا رسد، او از شدت اشتیاقی که به آن همسر حوریه اش دارد، می خواهد که از جا برخیزد، ولی آن حوریه به وی گوید: «ای ولی خدا! امروز روز رنج و زحمت نیست، از جایث برنخیز که من از توام و تواز منی». ... (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۴۷؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۹۰).

روایت را از جهت انطباق با تفسیر تمثیلی می توان به سه بخش تمثیلی تقسیم کرد:

۱. تخت مؤمن و جنبش آن: نشان دهنده کرامت و نشاط مؤمن در بهشت است و جنبه ای تشبیهی دارد.
 ۲. همسر حوریه و خدمتکاران: جلوه های نعمت و آسایش مؤمن را به تصویر می کشد و تمثیلی است.
 ۳. جزئیات جامه ها، طلا و جواهر و سخن همسر حوریه: نماد پاداش کامل و بدون رنج آخرت برای مؤمنان است و هدف انتقال مفهوم است، نه گزارش تاریخی.
- بنابراین کل روایت با هدف تصویرسازی و انتقال مفاهیم عقلی و معنوی نعمت های آخرت بیان شده و ذیل گونه تفسیر تمثیلی قرار می گیرد.

آموزه های هدایتی روایت

۱. با توجه به این که روایت در مقام شمارش نعمت های بهشتی برای متقین است، آثار و نتایج تقوا را بیان می کند.
۲. تمام امیال و لذات مادی همانند همسر و میل جنسی در بهشت وجود دارد و پاسخ داده می شود.
۳. خدمتکاران و کنیزکان، همراه با نعمت های فراوان، جلوه ای از تکریم و رفاه بی نظیر اهل بهشت را نشان می دهند.
۴. جمله «امروز روز رنج و زحمت نیست»، تأکیدی بر رفع هرگونه سختی و مشقت در آخرت برای مؤمنان است، جایی که تنها نعمت و آرامش حاکم است.
۵. این روایت نشان می دهد که پاداش های الهی نه تنها در معنویات؛ بلکه در جلوه های محسوس و ملموس نیز متجلی می شود، تا مؤمنان به کامل ترین شکل از رحمت الهی بهره مند شوند.

۴-۲-۷- تبیین اشارات

اشارات قرآن که از برخی روایات تفسیری استفاده می شود، یکی دیگر از برکات روایات تفسیری است. مانند: بهره گیری از آیه «مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (انبیاء: ۵۲) برای نکوهش عده ای که سرگرم شطرنج بازی

بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۸۳) یا آیه «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۶۲) را اشاره به حجّیت شیاع در جامعه اسلامی دانستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۹؛ ر.ک: ری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

این‌گونه از روایات، ذیل برخی آیات سوره طه، در جوامع حدیثی دیده می‌شود که به یک نمونه اشاره می‌گردد: یک. داود بن کثیر الرقی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «معنی سلام [و درود] بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟ پس حضرت فرمودند: «چون خدای تبارک و تعالی پیغمبرش (محمد صلی الله علیه و آله)، جانشین او (علی علیه السلام)، دخترش (فاطمه علیها السلام)، دو فرزندش (حسن و حسین علیهما السلام) و امامان دیگر علیهم السلام و شیعیان آن‌ها را [در عالم ارواح] آفرید، از آن‌ها [بر لزوم اطاعت از خویش] پیمان گرفت و [از آن‌ها خواست که در برابر بلاها] شکبیا باشند و [در مقابل دشمنانشان] پایداری کنند و نگاهبان مرزها [ی اسلام] باشند و از خدا پروا نمایند؛ و [در مقابل] به آن‌ها وعده فرمود که سرزمین مبارک (بیت المقدس یا مدینه) و حرم امن (مکه) را در اختیار آن‌ها قرار دهد، «الْبَيْتِ الْمَعْمُور» را برایشان فرود آورد و «السَّقْفِ الْمَرْفُوع» را برای آن‌ها آشکار کند و ایشان را از دشمن‌شان و [آفات] زمین آسوده خاطر سازد؛ زمینی که خدا آن را [از هر عیب و نقصی] پاک کند و آنچه در زمین است را به خاطر آن‌ها سالم گرداند، [به گونه‌ای که] «لا شَيْءَ فِيهَا؛ لَكِهْ اَي در آن نباشد» (بقره: ۷۱)؛ یعنی در زمین، هیچ‌گونه جدال و ستیزی [میان آن‌ها] با دشمنشان وجود نداشته باشد و هرچه را دوست داشته باشند، برای آن‌ها در زمین موجود باشد و رسول خدا صلی الله علیه و آله [نیز] از تمامی امامان علیهم السلام و شیعیانشان این پیمان را گرفت. [بدان که] سلام [و درود] بر آن حضرت، یادآوری این پیمان و تجدید آن بر خداوند است تا شاید خدای عزوجل، این وعده را پیش انداخته و آن سلامتی را با تمام برکاتش برای تان جلو اندازد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۵۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۳۸؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۷۴).

در این روایت، امام صادق علیه السلام بدون آنکه در مقام تفسیر آیات «وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ* وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ» باشد، عین عبارات قرآنی را در پاسخ به سؤالی کاملاً غیرتفسیری (معنی سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله) به کار می‌برد و معنایی کنایی و اشاری (فرود آمدن بیت المعمور و آشکار شدن سقف المرفوع و غیر آن را برای امامان علیهم السلام) را ارائه می‌دهد، بی آنکه ظاهر آیه نفی شود. این همان «تبیین اشاری» آیه است، نه تفسیر یا تطبیق مستقیم.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. از روایت استنباط می‌شود که خداوند در برابر عهده‌ی که از چهارده معصوم علیهم السلام گرفته است، بیت المعمور را که بنا بر تفسیری، خانه کعبه است برای ایشان و به یمن وجود ایشان فرود آورده است و مکه را حرم امن ایشان قرار داده است.

۲. سلام، صرفاً یک درود زبانی نیست، بلکه تجدید پیمان الهی بر ولایت اهل بیت علیهم السلام و یادآوری وعده‌های خداوند به ایشان و شیعیان است.

۳. عهد بر ایمان و ولایت، پیش از آفرینش دنیا در عالم ذر از اولیای الهی و شیعیانشان گرفته شده است.

۴. خداوند به امامان علیهم السلام و شیعیان وعده داده که سرزمین مبارک، حرم امن، بیت المعمور و سقف مرفوع را (که اشاره به حکومت جهانی امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشريف دارد) برایشان آشکار کند.



۵. آبادی کامل دنیا و زیستن در سلام و سلامت، جز با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و زیستن در پرتو عدل حضرتشان، محقق نخواهد شد.

۴-۲-۸- تفسیر قرآن بدون اشاره به آیه‌ای خاص

بخش اعظم روایات تفسیری، روایاتی هستند که بدون اشاره به آیات قرآن، آن‌ها را تفسیر نموده‌اند؛ زیرا بر پایه روایتی از امام باقر علیه السلام، بسیاری از سخنان اهل بیت علیهم السلام که به ظاهر تفسیری نیستند، ریشه قرآنی دارند (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). تجربه نیز مؤید این معناست که پژوهشگر توانا اگر احاطه نسبی به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، می‌تواند بسیاری از سخنان خاندان رسالت را در قرآن ریشه‌یابی نماید و ثقل کبیر (حدیث) را با ثقل اکبر (قرآن) پیوند دهد (همان، ص ۱۳۰). در تفاسیر روایی، احادیثی بدین مضمون، ذیل آیاتی از سوره طور ذکر گردیده که دو مورد، به عنوان نمونه ذکر می‌گردد:

یک. علی بن حسین عبدی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام در دعای بعد از نماز عید غدیر چنین می‌فرماید: «رَبَّنَا أَمَّا وَاتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَوَلَّيْنَا وَهَادَيْنَا وَدَاعَيْنَا وَدَاعِي الْأَنَامِ وَصِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ السَّوِيِّ وَحُجَّتَكَ وَسَبِيلَكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ عَلَى بَصِيرَةٍ هُوَ وَمَنِ اتَّبَعَهُ وَ«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» بَوْلَاتِهِ وَبِمَا يُلْحَدُونَ بِاتِّخَاذِ الْوَلَائِحِ دُونَهُ إِلَى آخِرِ الدَّعَاءِ: پروردگارا! ما ایمان آوردیم و از مولا و سرپرست و هدایت‌کننده و دعوت‌کننده ما و دیگر مردمان و راه راست و مستقیم تو و حجت و راه تو پیروی کردیم؛ همو که به همراه پیروانش با بصیرت کامل [دیگران را] به سوی تو دعوت می‌کند. منزّه است خدا از آنچه [مشرکان] در ولایت او شریک قرار می‌دهند و [منزّه است] از یارانی که ایشان به جای خداوند به آن‌ها اعتماد می‌کنند و با انتخاب آن‌ها کافر می‌شوند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۴۳؛ همان، ص ۱۴۵؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۲۰۸).

این روایت به عنوان یک دعا و بیانیه از امام علیه السلام در موضوع توحید و منزّه دانستن خداوند سبحان از هر گونه شریک است که در ایمان و اطاعت و ولایت و هدایت به صراط مستقیم متجلی است و به طور مستقیم به تفسیر خاصی از آیات مانند آیه «أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (طور: ۴۳) اشاره نمی‌کند. لکن می‌توان آن را به مثابه تبیینی از آیه یاد شده و سایر آیات توحیدی و تنزیهی شمرد بدون آنکه اشاره‌ای به آن آیات شده باشد.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. اهمیت یادآوری و قرائت چنین دعا‌هایی در مناسبت‌های عبادی (مانند نماز عید غدیر) بر تبیین جایگاه ولایت و هدایت الهی تأکید می‌کند.

۲. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستاده‌ای از جانب خداست و هدایت‌گری حضرتشان از جانب و در طول هدایت‌گری خداوند است و پیروی از او، همان پیروی از صراط مستقیم الهی است.

۳. ولی خدا و پیروان او، مردم را با آگاهی و بصیرت به سوی حقیقت هدایت می‌کنند، در مقابل کسانی که به جای اعتماد به خدا، به سرپرستانی غیرالهی روی می‌آورند.

۴. ذکر این دعا در نماز عید غدیر، اشاره به اهمیت پذیرش ولایت الهی و تجلی مصداق کامل آن در امام علی علیه السلام دارد که در روز غدیر به ولایت منصوب شدند.

دو. امام باقر علیه السلام فرمودند: «خداوند در زیر عرش، چهار ستون قرار داده و آن‌ها را «ضراح» نامیده که همان بیت المعمور است و به فرشتگان فرمان داده که دور آن طواف کنند. آن‌گاه فرشتگانش را فرستاده و فرمود: «در زمین، خانه‌ای مانند آن و به اندازه آن بسازید» و هرکس را که بر روی زمین بود، فرمان داد که گرداگرد آن خانه طواف کنند» (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۹۲؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۳۷؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۷۲).

این روایت بدون آنکه با عبارت دقیق آیه آغاز شود، به تبیین حقیقت «بیت المعمور» پرداخته و آن را «ضراح» (چهار ستون زیر عرش) معرفی کرده است. همچنین رابطه بیت المعمور با کعبه و تشریع طواف را روشن می‌سازد. از آن‌جا که روایت در مقام کشف مراد الهی از آیه **﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾** (طور: ۴) است، بدون آنکه لفظ آیه به طور کامل تلاوت شود، در زمره «تفسیر بدون اشاره به آیه‌ای خاص» قرار می‌گیرد.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. کعبه، حقیقتی در آسمان دارد و تنها خانه‌ای از خشت و گِل نیست که طواف به دور آن، بی‌ارزش باشد، بلکه به خاطر تقدس آن نزد خداوند طواف به دور آن ارزشمند شده و مصداق اطاعت از فرمان خداوند است.
۲. همان‌گونه که فرشتگان پیرامون بیت المعمور طواف می‌کنند، انسان‌ها نیز پیرامون کعبه طواف می‌کنند. این روایت، وحدت عبادت و هماهنگی عبادت‌کنندگان در سراسر هستی را به نمایش می‌گذارد.

۴-۲-۹- جری و تطبیق

مقصود از «جری و تطبیق» در این مقاله عبارت است از: جاری نمودن و سرایت دادن مفاهیم به دست آمده از آیات، به موارد مشابه. بر این اساس، گرچه منطوق آیه‌ها، در ظاهر ناظر به امت‌های گذشته یا اتفاقات عصر نزول است، ولی روح و حقیقت آن در حصار هیچ زمانی نیست، یعنی «فرا زمانی» بوده و در آیندگان همانند گذشتگان جاری است (رستم‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷). به فرموده علامه طباطبایی رحمته الله علیه: «قرآن مجید، کتابی است همگانی و همیشگی، در غایب، مانند حاضر جاری است و به آینده و گذشته، مانند حال منطبق می‌شود؛ مثلاً آیاتی که در شرایط خاصه‌ای برای مؤمنین زمان نزول، تکالیفی بار می‌کنند، مؤمنینی که پس از عصر نزول دارای همان شرایط هستند، بی‌کم‌وکاست همان تکالیف را دارند و آیاتی که صاحبان صفاتی را ستایش یا سرزنش می‌کنند یا مژده می‌دهند یا می‌ترسانند، کسانی را که با آن صفات متصفند، در هر زمان و در هر مکان باشند، شامل هستند. بنابراین، هرگز مورد نزول آیه‌ای مخصص آن آیه نخواهد بود؛ یعنی آیه‌ای که درباره شخص یا اشخاص معینی نازل شده در مورد نزول خود منجمد نشده به هر موردی که در صفات و خصوصیات با مورد نزول آیه شریک است، سرایت خواهد نمود و این خاصه همان است که در عرف روایات به نام «جری» نامیده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۶۸). اینک نمونه‌ای از این‌گونه روایات در ارتباط با آیات **﴿وَالطُّورِ﴾** و **﴿كِتَابٍ مَسْطُورٍ﴾** **﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾** (طور: ۱-۳) در ادامه ذکر می‌شود:

یک. در روایتی در زیارت امیرمؤمنان (علیه السلام) خطاب به آن حضرت آمده است: «يَا أَمِينَ اللّٰهِ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ يَا صِرَاطَ اللّٰهِ زَاكَ عَبْدُكَ وَ وَلِيَّكَ اللَّائِنُ بِقَبْرِكَ وَ الْمُئِيخُ رَحْلُهُ بِفَنَائِكَ الْمُتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ... أَشْهَدُ أَنَّكَ الطُّورُ وَ الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ وَ الرَّقُّ الْمُنْشُورُ». ای امین خدا! ای حجت خدا! ای ولی خدا! ای راه [راست] خدا! این بنده و دوستدارت، همو که به قبرت پناه آورده و در کنار درگاهت، رحل اقامت گزیده و [به واسطه تو] به خداوند نزدیکی یافته و تو را نزد خداوند شفیع خویش قرار داده... گواهی می‌دهم که تویی (وَ الطُّورُ وَ تویی الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ وَ تویی الرَّقُّ الْمُنْشُورُ...)» (مجلسی، بی تا، ج ۹۷، ص ۳۱۴؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۶۸).

این روایت در قالب زیارت و دعا در مقام تطبیق آیات سوره طور بر مصداقی باطنی یعنی امام علی (علیه السلام) است، از این رو در زمره روایات تفسیری از نوع «جری و تطبیق» شمرده می‌شود.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. از روایت چنین استفاده می‌شود همان‌گونه که کوه طور سرزمین وحی برای حضرت موسی (علیه السلام) بوده است، طبق فرمایش امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه کبیره، حضرات معصومین (علیهم السلام) نیز «مهبط الوحی» هستند.
۲. اگر سوگند به قرآن کریم (کتاب مسطور) جایز است، سوگند به امام معصوم (علیه السلام) نیز که قرآن مجسم است، نیز جایز خواهد بود. این روایت نشان می‌دهد که غایت و مقصود این سوگندها، رساندن مخاطب به حقیقت ولایت است.
۳. انطباق کتاب مسطور به امام (علیه السلام) در روایت، این پیام را دارد که قرآن و امام معصوم (علیه السلام) از یکدیگر جداشدنی نیستند و فهم حقیقی قرآن و سوگندهای آن، بدون شناخت امام (علیه السلام) و ولایت ممکن نیست؛ «علی مع القرآن و القرآن مع علی» و به عبارتی این دو، دوروی یک سکه بوده و امام (علیه السلام)، باطن قرآن است.
۴. سوگندهای الهی به «طور، کتاب مسطور و رق منشور» که از مهم‌ترین نشانه‌های تکوینی و تشریعی خداوند هستند، بر علی (علیه السلام) تطبیق داده شده است. این نشان می‌دهد که جایگاه امام علی (علیه السلام) در نظام هستی و هدایت، هم‌سنگ بزرگ‌ترین آیات الهی است.

۴-۳- روایات ناظر به معنای باطنی آیه (تأویل)

کارکرد «تأویل» در جایگاه‌های گوناگون با برخی دیگر از کارکردها مانند جری و تطبیق، گره خورده و زمینه برخی ناهمی‌ها و بدفهمی‌ها را فراهم آورده است (مسعودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۱). تأویل در حالت مصدری، در روایت‌هایی انگشت‌شمار به معنای تفسیر آمده است؛ اما بیشتر به معنای «بطن» در مقابل «ظهر» به کار می‌رود و مقصود از آن، «تبیین غرض نهایی پدیدآورنده متن، و ارائه مقصود نهفته او» است (همان، ص ۴۳). شایان ذکر است که معنای ظاهری و معنای تأویلی متن، همسو و هم‌جهت بوده و از تعارض به دورند. در حقیقت تأویل، به تبیین مقصود نیمه پنهان و نمایاندن لایه‌های درونی معنا می‌پردازد (ر.ک: همان، ص ۴۴). از جمله روایاتی که می‌توان آن را تأویلی و در مقام بیان لایه‌های درونی برخی از آیات سوره طور برشمرد این روایات است:



یک. محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «قَوْلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (طور: ۱۱) خداوند [در این آیه] می‌فرماید: ای محمد صلی الله علیه و آله وای بر کسانی که ولایت علی علیه السلام که بر تو وحی نمودم را تکذیب می‌کنند. آیا ما اقوام [مجرم] نخستین را هلاک نکردیم؟! سپس دیگر [مجرمان] را به دنبال آن‌ها می‌فرستیم! (مرسلات: ۱۶ و ۱۷) مراد از اقوام نخستین، کسانی‌اند که پیامبران علیهم السلام را در پیروی کردن از جانشینانشان تکذیب نمودند. [آری] این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم! (مرسلات: ۱۸) مراد از مجرمان کسانی [هستند] که آل محمد علیهم السلام را نافرمانی کرده و نسبت به علی علیه السلام آن جنایات را مرتکب شدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۵؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۸۴).

چنان‌که گذشت، سوره طه مکی است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۴) و مراد از مکذبین در آیه مذکور به حکم سیاق، تکذیب‌کنندگان قیامت است. لیکن در این روایت، امام کاظم علیه السلام معنایی باطنی برای آیه ارائه می‌دهند که ظاهر آیه (یعنی مکذبان دین و قیامت) را نفی نمی‌کند، بلکه لایه عمیق‌تری از آن را آشکار می‌سازد؛ که عبارت است از تکذیب ولایت علی علیه السلام و این همان، تفسیر تأویلی و باطنی است.

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. از روایت استفاده می‌شود که عذاب خدا شامل کسی می‌شود که خداوند او را دعوت کند، و او اجابت ننماید و دعوتش را تکذیب کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۳). در حقیقت، کسانی که در روز قیامت مورد عذاب پروردگار قرار می‌گیرند، همان کسانی‌اند که این روز را انکار می‌کردند.

۲. نکته‌ای دیگر که از این روایت استنباط می‌شود، امر الهی بودن ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و به منزله این است که ولایت، امری تفویضی از جانب خداوند است و رسول و نبی نمی‌توانند چنین امر مهمی را از ناحیه خود به کسی واگذار کنند.

۳. تکذیب، فقط انکار نبوت یا معاد نیست، بلکه انکار ولایت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مصداق بارز «تکذیب» در قرآن است. لذا هرکسی نبوت را پذیرفت اما ولایت را انکار کرد، در زمره «مکذبین» قرار می‌گیرد.

۴. همان‌طور که خداوند اقوام پیشین را به‌خاطر تکذیب جانشینان پیامبرانشان هلاک کرد (اشاره به آیات سوره مرسلات: ۱۶-۱۸)، امت اسلام نیز اگر ولایت علی علیه السلام را انکار کند، مشمول همان سنت الهی خواهد شد.

۵. فهم حقیقی قرآن و نجات از عذاب قیامت، بدون شناخت و پذیرش ولایت امامان معصوم علیهم السلام ممکن نیست. این روایت، راه نجات را در ایمان به نبوت و ولایت توأمان معرفی می‌کند.

دو. در روایتی معتبر (صحیح)، ابی بصیر از امام صادق علیه السلام ذیل آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينَ» (طور: ۲۱) این چنین نقل نموده است: «چون کودکی از مؤمنان بمیرد، نداکننده‌ای در آسمان‌ها و زمین فریاد زند که فرزند فلان مرد، جان سپرد. پس اگر پیش از وی، پدر و مادر یا یکی از آن دو یا کسی دیگر از خویشان مؤمن او از دنیا رفته باشد، آن طفل را بدو سپارند تا غذایش دهد، در غیر این صورت، سرپرستی او را به حضرت فاطمه علیها السلام واگذارند و تحت نظر او پرورش یابد تا پدر و مادرش یا یکی از ایشان یا کسی دیگر از خویشاوندانش به او ملحق شود و آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام آن کودک



را به او بسپارد» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۴۱؛ برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۱۹۴).

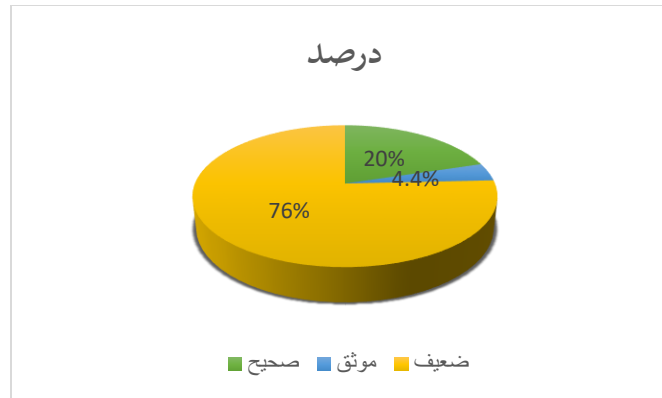
این روایت، به معنای باطنی آیه اشاره می‌کند و نشان می‌دهد کودکان مؤمن که قبل از بلوغ از دنیا می‌روند، تا زمانی که پدر یا مادرشان از دنیا نرفته‌اند، تحت سرپرستی اهل بیت علیهم‌السلام قرار دارند. روایت، بی‌آنکه معنای ظاهری آیه (الحاق فرزندان به پدران در بهشت) را نفی کند، لایه‌های درونی معنا را نمایان می‌سازد و مقصود الهی از آیه را در سطحی عمیق‌تر تبیین می‌نماید. بنابراین، با تعریف باطن و تأویل در تفسیر قرآن انطباق دارد. گفتمانی است در روایتی دیگر ذیل این آیه (طور: ۲۱)، ابراهیم علیه‌السلام و ساره، متکفل تغذیه و نگهداری اطفال مومنان در قیامت معرفی شده‌اند (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۰).

آموزه‌های هدایتی روایت

۱. نکته‌ای که از روایت دریافت می‌شود، این است خداوند و اولیای خدا، سرپرست حقیقی هر فرد مؤمنی هستند و این نشانه‌ای از رحمت گسترده الهی است.
۲. روایت به موازات ولایت خداوند، به ولایت و سرپرستی حضرت فاطمه علیها‌السلام اشاره دارد که ایشان مادر ایمانی فرزندان مؤمنین هستند و این، نشان از جایگاه بی‌نظیر ایشان در نظام تکوین و تشریع دارد.
۳. حضرت فاطمه علیها‌السلام در عالم برزخ نیز دارای شأن و منزلت ویژه‌ای بوده و به مثابه رحمت ربانی الهی هستند.
۴. ولایت حضرت فاطمه علیها‌السلام در فرجام انسان‌ها و حیات اخروی ایشان نیز مؤثر بوده و این نکته امتداد ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی پس از مرگ را نشان می‌دهد.

۵- جایگاه سندی روایات تفسیری سوره طور

ذیل سوره طور، ۱۲۴ روایت تفسیری در تفاسیر البرهان، نورالثقلین و تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است که از این تعداد، ۸۰ روایت به معصوم علیه‌السلام ختم می‌شود و از بین این ۸۰ روایت، ۴۵ روایت مسند است که مشتمل بر ۹ روایت دارای سند صحیح، ۲ روایت دارای سند موثق و ۳۴ روایت دارای سند ضعیف و باقی مانده مرسل هستند. شایان ذکر است پژوهشگر این اثر، یکان یکان روایات تفسیری این سوره را بر اساس مبنای رجالی آیت‌الله خویی رحمته‌الله، بررسی سندی نموده و چون ذکر آن‌ها خارج از گنجایش این مقاله است، به ذکر نتایج آن و نمایش در نمودار آماری، اکتفا شده است.



نتیجه‌گیری

۱. از آنچه در بحث گونه‌شناسی آورده شد، این مطلب به دست می‌آید که برخلاف تصور برخی که روایات تفسیری نقش چندانی در تفسیر آیات ندارند، این روایات می‌توانند در ابعاد مختلف از تفسیر آیات ما را یاری کنند.
۲. از بررسی روایات تفسیری سوره طه به دست می‌آید که بیشترین گونه‌های روایات به ترتیب: تفسیر باطنی، تفسیر مفهومی، استناد به قرآن، تفسیر مصداقی، ایضاح لفظی، تبیین اشارات، تفسیر قرآن بدون اشاره به آیه‌ای خاص بوده و سایر گونه‌های روایات نیز، به ترتیب تعداد کمتری را به خود اختصاص داده‌اند که عبارت‌اند از: تفسیر تمثیلی، فضائل سوره، تفسیر تاریخی و به‌کارگیری قاعده جری و تطبیق.
۳. در بیان اهمیت آموزه‌های هدایتی روایات ناظر بر سوره قرآن کریم، توجه به این نکته کافی است که در این کتاب آسمانی، معارفی نهفته است که جز با تفسیر معصومان علیهم‌السلام، نمی‌توان به بطن آنها راه یافت.
۴. از آن‌جا که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام معارف آموزنده‌ای نهفته است، بی‌توجهی به آموزه‌های روایات در حقیقت محرومیت از معارف ناب و گنجینه سخن معصومان علیهم‌السلام است.
۵. از نتایج استخراج آموزه‌های روایات تفسیری سوره، این نتیجه حاصل شد که بیشترین آموزه‌های روایات مربوط به حوزه عبادی؛ تشویق به تدبر در قرآن و عالم خلقت، تبیین جایگاه بیت المعمور و کعبه و تشویق به بهره‌وری از سحرگاهان و تسبیح و تنزیه خداوند و نیز حوزه اصول اعتقادی؛ همانند: تبیین جایگاه ولایت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام، لزوم اطاعت از معصومان علیهم‌السلام، قرآن ناطق بودن امام، ظهور و قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و تعالی‌فرجه‌الکرب و در حوزه توحید؛ شهود و علم خداوند بر تمامی اعمال انسان، رحمانیت خداوند به تمام بندگان، در حوزه معاد؛ جسمانی بودن معاد و در حوزه نبوت؛ اطاعت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم در راستای اطاعت از خداوند است.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: بی نا.
۲. ابن بابويه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۳. _____ (۱۳۹۸ق). التوحيد، تحقيق: هاشم حسینی، قم: جامعة مدرسين حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
۴. _____ (۱۴۱۳ق). من لايحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعة مدرسين حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
۵. _____ (۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: كتاب فروشی داوری.
۶. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). كامل الزيارات، تحقيق: عبد الحسين اميني، نجف: دار المرتضوية.
۷. ابن شعبه حراني، حسن بن علي (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعة مدرسين حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
۸. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، تحقيق: حسين استادولای، قم: جامعة مدرسين حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
۹. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقيق: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم: دار الذخائر.
۱۰. برقي، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن، تحقيق: جلال الدين محدث، قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سليمان (۱۴۱۵ق). البرهان في تفسير القرآن. تحقيق: بنياد بعثت، واحد تحقيقات اسلامی، قم: مؤسسة البعثة.
۱۲. برازش، علیرضا (۱۳۹۴). تفسير اهل بيت ﷺ، تهران: امیرکبیر.
۱۳. ترخان، قاسم (۱۳۹۰). «رابطه توحيد و ولايت (با تأکید بر حديث سلسلة الذهب)». قبسات، شماره ۱۶، صص ۳۴-۶۱.
۱۴. حویزی، عبد علی بن جمعة (۱۴۱۵ق). تفسير نور الثقلين، تصحيح: هاشم رسولي، قم: اسماعيليان.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ.
۱۶. حسکاني، عبيد الله بن عبد الله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمد باقر محمودی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر.
۱۷. خامه گر، محمد (۱۳۸۶). ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. راد، علی (۱۳۹۷). گونه شناسی احادیث قرآنی امامیه از نظریه تا تطبیق، تحقيق: محمد قنبری، قم: دار الحديث.
۱۹. رستم نژاد، مهدی (۱۳۹۴). پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۲۰. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، تحقيق: صبحی صالح، قم: دار الهجرة.

۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱). الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: فواز احمد زمرلی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۳. _____ (۱۴۱۴ق). الأملی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه.
۲۵. _____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۲۶. _____ (۱۳۶۳-۱۳۵۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: فراهانی.
۲۷. طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق). بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
۲۹. _____ (۱۳۸۸). قرآن در اسلام، قم: بوستان کتاب.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الكتاب.
۳۱. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ق). فقه القرآن، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۳. مجلسی، محمد باقر (بی تا). بحار الأنوار، تحقیق: عبدالزهراء علوی و محمد باقر محمودی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰). درآمدی بر تفسیر جامع روایی، قم: دار الحديث.
۳۵. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۶). تفسیر روایی جامع (مبانی، منابع و روش)، تصحیح: مرتضی بهرامی خشنودی، قم: دار الحديث.
۳۶. مهریزی، مهدی (۱۳۹۸). «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، علوم حدیث، سال ۵۵، شماره ۱، صص ۴-۳۴.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۸. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹ق). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه التمهید.
۳۹. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۴۰. نصیری، علی (۱۳۸۷). معرفت قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، قم: بوستان کتاب.